

درس هشتم

دریاقلی

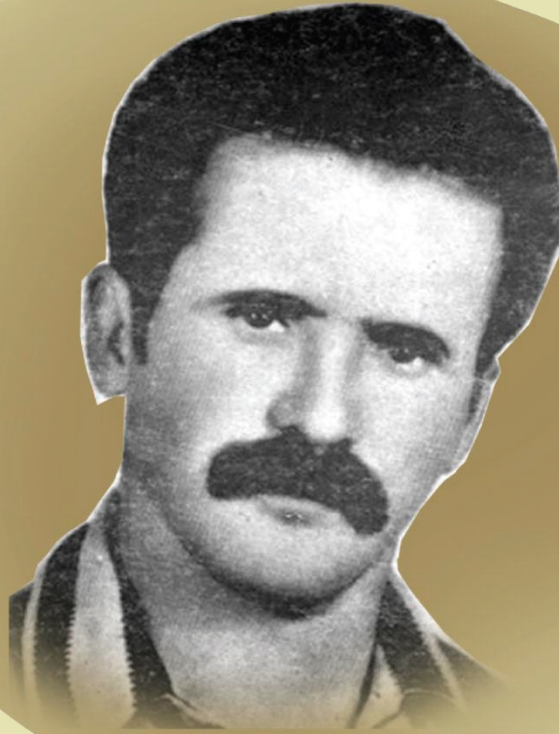
فارسی ششم دبستان

درس هشتم دریاقلی

علوی



درس هشتم



دریاقلی

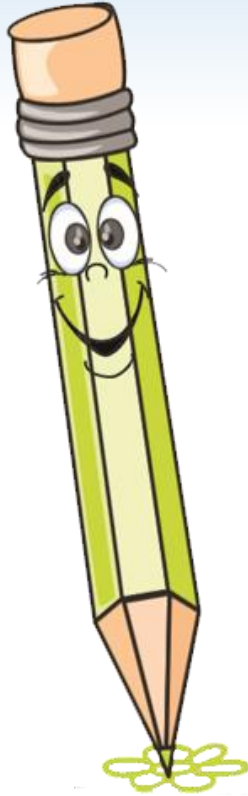
فارسی ششم دبستان

علوی

درس هشتم دریاقلی



دریاقلی



در این درس، مفاهیم زیر را می‌آموزم:

آشنایی با «دریاقلی»، دلیر مرد ایرانی

مقاومت و دلاوری در برابر دشمن

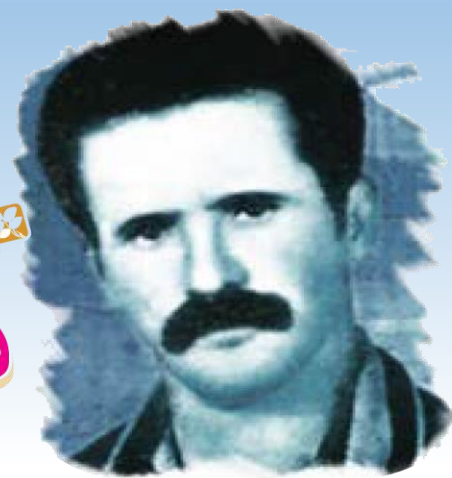
آشنایی با علائم نگارشی

آشنایی با «محمد رضا ترکی» و «سید حسن حسینی»



دریاقلی

درس هشتم



در تاریخ، انسان‌های بسیاری بوده‌اند که همی توان و جان خود را برای رسیدن به هدف خویش فدا کرده‌اند و گاهی نجات مردمی یا آینده‌ی ملتی به هوشیاری و فداکاری و تصمیم بهنگام و جان فشانی به موقع یک نفر یا جمعی محدود، وابسته می‌شود. در همی جوامع بشری، فداکاری چنین انسان‌هایی را ارج می‌نهند و تلاش می‌کنند خاطره‌ی آنها را در تاریخ و ادبیات و آثار هنری خود حفظ کنند.

در داستان‌های کهن ایرانی، آرش، دلاورمردی بود که وقتی قرار شد کمانداری ایرانی، تیری رها کند و هر جا که تیر فرود آمد، مرز ایران باشد، دلیرانه بر قلّی دماوند برآمد و تیری در چله‌ی کمان نهاد و با پرتاب کردن آن، سرزمین ایران را از بیگانگان رهایی بخشید و جان خود را در این راه فدا کرد. خاطره‌ی این جان فشانی در راه پاسداری از میهن، هنوز در یادها زنده است. این سرزمین در هر روزگاری، پهلوانان و نام‌آوران بی‌شماری را در خود پرورانده است.



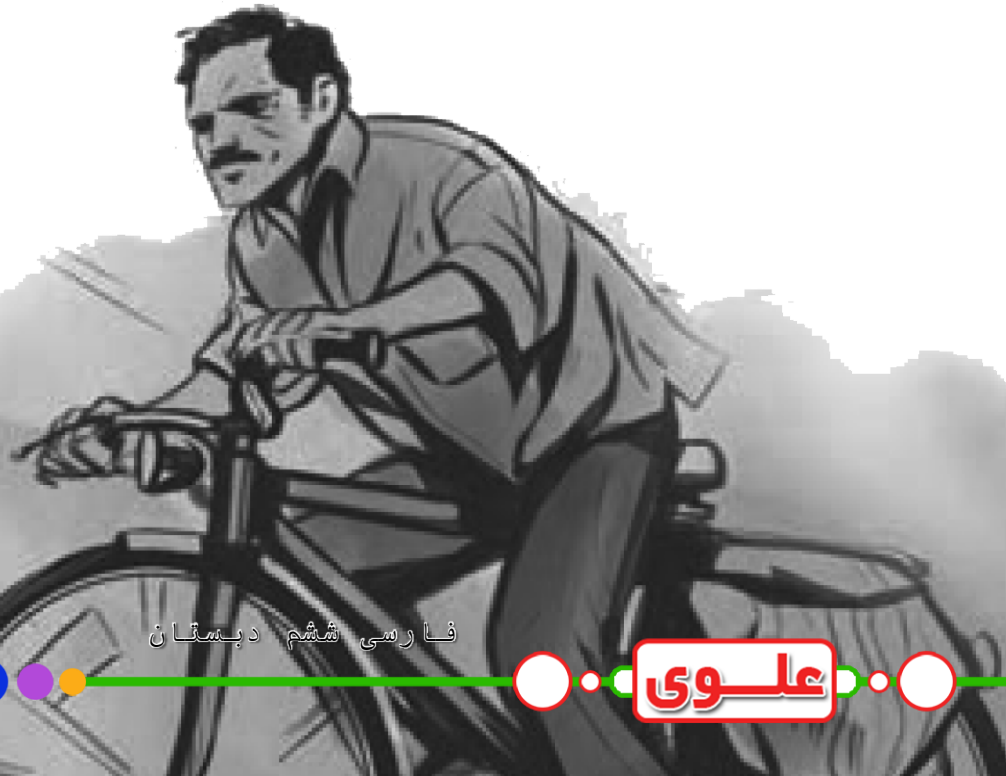
شهمید «دریاقلی سورانی» یکی از دلاورمردان دوران دفاع مقدّس بود که در نخستین ماه‌های جنگِ تحمیلی با فداکاری شگفت‌انگیز خود، مانع سقوط شهر آبادان شد. شغل دریاقلی، اوراق فروشی بود. او در آن هنگام به همراه فرزند خردسال خود در گورستانی از اتومبیل‌های فرسوده در «کوی ذوالفقاری» در حاشیه‌ی آبادان زندگی می‌کرد. او در یک شب تاریک، ناگهان متوجّه شد که سربازان دشمن بعضی به صورتی غافلگیرکننده از رودخانه‌ی بهم‌شیر گذشته‌اند و می‌خواهند شهر محاصره شده‌ی آبادان را به اشغال کامل خود دریاورند. دریاقلی، فوراً بی‌سر و صدا سوار بر دوچرخه شد و به راه افتاد.

دریاقلی در آن شب پاییزی نهم آبان ماه ۱۳۵۹ با همی توان و قدرت، رکاب می‌زد. انگار کسی در گوشش می‌گفت: دریاقلی رکاب بزن، همه چیز به جوانمردی تو وابسته است. اگر کوتاهی کنی، همی شهر و دیار نابود خواهد شد.



دریاقلی! رکاب بزن، یا علی بگو
فردا اگر درنگ کنی، کوچه های شهر
از راه اگر بمانی و روشن شود هوا
دریاقلی! به وسعت دریاست نام تو

چشم انتظارِ همت تو، دین و میهن است
میدانِ جنگِ تن به تن و تانک باتن است
تکلیف شهرِ خاطره های تو، روشن است
تاریخ در تلفظِ نامِ تو آنگن است



فارسی هشتم دبستان

علوی

درس هشتم دریاقلی



دریاقلی

چشم انتظارِ همت تو، دین و میهن است

دریا قلی! رکاب بزن، یا علی بگو

معنی بیت: ای دریا قلی! با دوچرخه ات رکاب بزن و یی اعلی گویان پیش برو، زیرا دین و میهن منتظر و چشم به راه فداکاری و ایثارگری تو است.

میدان جنگ تن به تن و تانک با تن است

فردا اگر درنگ کنی، کوچه های شهر

معنی بیت: اگر معطل کنی ممکن است دیر شود و فردا کوچه های شهر تبدیل به میدان جنگ تن به تن و جنگ تانک با سربازان شود.

تکلیف شهر خاطره های تو، روشن است

از راه اگر بمانی و روشن شود هوا

معنی بیت: اگر معطل کنی و در راه بمانی و هوا روشن شود دیگر معلوم نیست که بر سر شهر تو و شهر خاطره های تو (آبادان) چه خواهد آمد.

تاریخ در تلفظ نام تو الکن است

دریا قلی! به وسعت دریاست نام تو

معنی بیت: دریا قلی! نام تو به اندازه ی دریا ها وسیع و پهناور است و تاریخ نمی تواند نام تو را به درستی تلفظ کند. یعنی از فهم و درک و بیان جوانمردی و ایثارگری تو ناتوان و لال است.



اما دریاقلی، همچون دریایی خروشان بود، با تمام وجود تلاش می‌کرد از میان‌گشتی‌های دشمن و آتش خمپاره‌ها بگذرد و زودتر از سربازان بعثی، خود را به شهر برساند. او توانست، کوی ذوالفقاری تا شهر آبادان را در کوتاه‌ترین زمان، رکاب بزند و خود را به سرعت به شهر برساند و با فریادهایش، مردم و مدافعان شهر را از نفوذ دشمن باخبر کند. مردم و مدافعان آبادان، بی‌درنگ به هر وسیله‌ای که ممکن بود در برابر دشمن به کار آید به مقابله با دشمن پرداختند و توانستند در نبردی نابرابر، که در تاریخ دفاع مقدس به نام «عملیات کوی ذوالفقاری» معروف است، نفوذ دشمن را به آبادان ناکام بگذارند و او را با تلفات بسیار و شکستی سخت به عقب برانند.

دریاقلی در همین نبرد به شدت زخمی شد و در راه انتقال به پشت‌جهه به شهادت رسید. مزار این شهید دلاور در بهشت زهرا (س) در تهران قرار دارد.

بی‌شک اگر دریاقلی در آن شب سرنوشت‌ساز، دچار ترس و تردید می‌شد و اگر تنها به نجات خود و خانواده‌اش می‌اندیشید یا اگر اندکی کوتاهی می‌کرد و نمی‌توانست به موقع خود را به شهر برساند، خدا می‌دانست چه اتفاقات ناگواری می‌افتاد!

محمد رضا توکی



خلاصه درس:

«دریاقلی سورانی» از دلاورمردانِ دورانِ دفاعِ مقدّس بود. او در یک شب تاریک، ناگهان متوجّه شد که سربازان دشمن بعضی از رودخانه‌ی بهمن‌شیر گذشته‌اند و می‌خواهند شهر آبادان را به اشغال کامل در بیاورند. وی در آن شب پاییزی سال ۱۳۵۹، با تمام توان رکاب زد و خود را به شهر رساند و با فریادهایش مردم را از نفوذ دشمن آگاه کرد. مردم و مدافعان در نبردی نابرابر، توانستند دشمن را با تلفات بسیار به عقب برانند. وی در همین نبرد، به شهادت رسید.



فارسی ششم دبستان

علوی

درس هشتم دریاقلی



۱- منظور از مصراع «چشم انتظار همت تو، دین و میهن است» چیست؟

جواب: دین و میهن منتظر اراده‌ی قوی توست. اگر سستی کنی، دین و میهن ضربه و صدمه خواهند دید.

۲- به نظر شما میان کار آرش با دریاقلی چه شباهتی هست؟

جواب: هر دو نفر جان خود برای بیرون راندن دشمن از میهن فدا کردند.

۳- چرا دریاقلی توانست چنان کار بزرگی انجام دهد؟

جواب: چون دریا قلی با دیدگاه وسیعی که داشت به جای فکر کردن به نجات خود و خانواده اش، نجات میهن و وطن که خانه و مادر همه‌ی ماست را انتخاب کرد.

۴- اگر به جای دریاقلی بودید، چگونه رزمندگان را از وجود دشمن آگاه می‌کردید؟

جواب: به نظر من دریا قلی بهترین تصمیم را گرفته است و من هم در آن شرایط همان کار را می‌کردم.



غافلگیرکننده: غیرمنتظره بودن و ناگهانی بودن کاری	هدف: مقصود، منظور
بهمن شیر: نام رودخانه‌ای است.	به هنگام: به موقع
محاصره: اطراف کسی یا جایی را احاطه کردن	محدود: ناچیز و کم، مختصر، اندک
انگار: گویا، به نظر	جوامع: جمع جامعه، کشور، مملکت
جوانمردی: سخاوت، بخشندگی	ارج: ارزش
رکاب بزن: سریع‌تر دوچرخه را به حرکت در بیاور.	دلور مرد: مرد شجاع و دلیر
دیار: خانه، سرزمین	کماندار ایرانی: آرش کمانگیر
همت: قصد، اراده و عزم قوی	دلیرانه: شجاعانه
الکن: کسی که زبانش به هنگام صحبت، گیر می‌کند، لال	چله‌ی کمان: نخ کمان که تیر در آن قرار می‌گیرد.
تکلیف: موقعیت، وضعیت	پاسداری: محافظت کردن
خمپاره: نوعی گلوله که با توپ قابل حمل، پرتاب می‌شود.	نام‌آوران بی‌شمار: پهلوانان مشهور بسیار زیاد



مدافعان: جمع مدافع، دفاع کنندگان	مانع سقوط: جلوی دشمن را گرفتن تا شهرها را تصرف نکند.
مزار: قبر، گور، آرامگاه	اوراق فروشی: مکانی که پاره‌های اتومبیل فروخته می‌شود.
بی شک: یقیناً، حتماً	حاشیه: کناره
ناگوار: تلخ، ناخوشایند	بعثی: نیروهای ارتش عراق در زمان صدام
	مقابله: مبارزه کردن
	ناکام: کسی که به آرزوی خود نرسیده باشد.
	تلفات: نابود شده‌ها، از دست دادن افراد



نشانه های نگارشی



نشانه های نگارشی، علامتهایی هستند که به درست خواندن و درک مطالب، کمک می‌کنند.

چند علامت نگارشی پرکاربرد:



نقطه (.):

(۱) در پایان جمله‌های خبری و بعضی جملات امری از این نشانه، استفاده می‌شود.

شغل دریاقلی، اوراق فروشی بود.

مثال:



(۲) در میان حروف اختصاری به کار می‌رود.

نظامی زاده‌ی ۵۳۵ هـ.ق در گنجه است.

مثال:



هجری قمری: ه.ق



ویرگول یا درنگ‌نما (،): 

نشانه‌ی درنگ در جمله است.

۱) میان عبارتها و جمله‌هایی که از نظر معنی به هم مربوط هستند.

مثال: اگر کوتاهی کنی، همه‌ی شهر و دیار نابود خواهد شد.

۲) برای جداکردن کلمه یا عبارتی توضیحی



مثال:



آرش، دلاور مرد ایرانی، دلیرانه بر قلعه‌ی دماوند برآمد.

«دلاور مرد ایرانی» توضیحی است که برای «آرش» بیان شده است و قبل و بعد از آن، «ویرگول» دیده می‌شود.

مثال: ۳) بین کلماتی که می‌خواهیم یک چیز مشخص درباره‌شان بگوییم.




درباره‌ی دیده‌ها، شنیده‌ها، خوانده‌ها و آموخته‌ها بپرسیم.

مثال: ۴) برای جلوگیری از اضافه‌کردن کسره (-) به پایان بعضی کلمات.



جان و دل، رایگان بیفشانیم



د ونقطه (:) : 

مثال: (۱) پیش از نقل قول مستقیم

گفت: «می آیم دنبالت».

مثال: (۲) هنگام توضیح دادن

نهاد: قسمت اول هر جمله است.

مثال: (۳) هنگام برشمردن اجزای یک چیز

عنصرهای چهارگانه عبارتند از: آب، خاک، باد و آتش

مثال: (۴) هنگام معنی کردن

نخجیر: شکار



نقطه- ویرگول (؛) :



مکئی طولانی‌تر از ویرگول و کوتاه‌تر از نقطه است.

(۱) قبل از یعنی و مثلاً

او انسانی دلسوز است؛ مثلاً در تمام درس‌ها کمکم می‌کند.

(۲) بین دو جمله که یک معنی را می‌رسانند.

او نه تنها خشمگین نشد؛ بلکه بسیار هم با آرامش رفتار کرد.

مثال:



مثال:



گیومه « » : 

۱) اگر بخواهیم، عین سخن کسی را نقل کنیم، آن را داخل گیومه قرار می‌دهیم.

پیامبر (ص) فرمودند: «پاکیزگی نیمی از ایمان است.»

۲) برای مشخص کردن واژه یا ترکیبی خاص

شهادت «دریاقلی سورانی» از دلاور مردان دوران دفاع مقدس بود. مثال :

مثال :



علامت سؤال (؟) :



(۱) در پایان جمله‌های پرسشی

مثال: فرق تو با بچه‌های دیگر چیست؟

(۲) برای نشان دادن شک و تردید

مثال: اگر بروم او را می‌بینم؟

(۳) برای ریشخند (تمسخر)

نکته

در این صورت، علامت سؤال با تعجب همراه می‌شود.

مثال: تو دانش‌آموزِ زرنگِ کلاس هستی!؟



علامت تعجب (!) :


در پایان جملات تعجبی و جملاتی که یکی از حالات عاطفی، مثل آفرین، تأکید، افسوس، آرزو، دعا، ندا، ناراحتی، خوشحالی و... را نشان می‌دهند، می‌آید.

مثال: خدا می‌دانست چه اتفاقات ناگواری می‌افتاد! (حالت تأثر)

دریاقلی! رکاب بزن، یا علی بگو (ندا)

حتماً دریافتید منظورم از این فرزندان عزیز، چه کسانی هستند! (تأکید)



پرانتر یا کمانک () : 

۱) عبارت توضیحی را داخل کمانک قرار می‌دهیم.

مثال: دشمنان به هر سه‌ی ما (شما، وطن و من) تاخته‌اند.

مزار این شهید دلاور در بهشت زهرا (س)، قرار دارد.

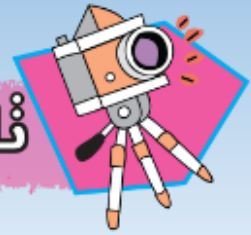


خط تیره (-) : 

جملات و عبارات توضیحی را بین دو خط تیره، قرار می‌دهیم.

مثال: روستای ما- زادگاه من- همیشه، در خاطراتم جاودانه است.





محمد رضا تُرکی

وی از شاعران و نویسندگان معاصر است و در دانشگاه تهران به تدریس اشتغال دارد.



سید حسن حسینی

از شاعران دوره‌ی انقلاب اسلامی است. وی در سال ۱۳۸۳ درگذشت.
آثار: هم صدا با حلق اسماعیل، گنجشک و جبرئیل





هدف: اهداف، هدفمند	عقب: تعقیب، عقاب
محدود: حدود، محدوده، حد	نفوذ: مَنفَذ، نافذ
آثار: اثر، مؤثر، تأثیر	اسارت: اسیر، أُسرا
مقدّس: قُدس، قُدسی، اَقَدس، قِداست	تأسیس: مؤسّس، مؤسّسه، اساس، اساسی
مانع: منع، موانع	تأمین: امن، ایمان، ایمن، امانت، امین
شغل: اشغال، مشغله، مشغول، شاغل	استقامت: مقاوم، قوام، مقاومت
محاصره: حصار، محصور (زندانی)، حصیر	بی رحمانه: رحم، رحیم، مرحوم، رحمت
وسعت: وسیع، توسعه، وُسع	متدین: دین، ادیان، دیندار
مزار: زیارت، زائر	ساعی: سعی، سعایت
مُدافع: دفاع، دفع، تدافعی	تبعید: بعد، ابعاد، بعداً
مقابله: قبل، قبول	



کارگاه نویسندگی

توصیف: یکی از راه های تمرین در نویسندگی توصیف است. توصیف بیان ویژگی های يك چیز یا پدیده ی خاص است. در توصیف باید به موارد زیر توجه کرد:

- ۱- اندازه
- ۲- رنگ
- ۳- بو
- ۴- لطافت و زبری
- ۵- فاصله و ...



فارسی ششم دبستان

علوی

درس هشتم دریاقلی



پایان درسی

دریاقلی

فارسی ششم دبستان

علوی

درس هشتم دریاقلی

